

دو فصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیم
سال هفتم (۱۳۹۶)، شماره هفدهم

واکاوی آثار و ابعاد تربیتی اعتقاد به جنود الهی در قرآن کریم

علی محمد میر جلیلی^۱

محمد رضا بابایی دره^۲

چکیده

حوزه اعتقادات و باورها، نقش بسزایی در سرنوشت انسان‌ها دارد بویژه آنکه به زندگی معنا می‌بخشد و آن را هدفمند می‌کند. بر همین اساس، هرچه باورهای آدمی مادی و در نتیجه محدود باشد، هدف‌های منبعث از آن نیز متناهی و به همان میزان محصور می‌گردد و او را در تنگنای امور زمینی قرار می‌دهد. در مقابل، حوزه اعتقادات و باورها، نقش بسزایی در سرنوشت انسان‌ها دارد بویژه آنکه به زندگی معنا می‌بخشد و آن را هدفمند می‌کند. هرچه باورهای آدمی مادی و در نتیجه محدود باشد، هدف‌های منبعث از آن نیز متناهی و به همان میزان محصور می‌گردد و او را در تنگنای امور زمینی قرار می‌دهد. در مقابل، اعتقاد به خداوند، عالم غیب و نیروهای فراطبیعی که وظیفه آنان یاری خداپاوران و خداپاواران است، هدف مؤمنان را متعالی و بلندپایه می‌سازد تا بدانجا که جایگاه‌اش در موقعیتی فرازتر از ملائکه قرار می‌گیرد. در همین راستا، یکی از برترین آموزه‌های انبیای الهی اعتقاد به عالم غیب است که بخش مهم آن، باور به «جنود الهی» است. جنود الهی، نیروهای دیدنی و نادیدنی موجود در عالم هستی هستند که همه تحت فرمان خداوند قرار داشته و در مواقع لازم، حق‌گرایان را کمک می‌رسانند و با باطل‌گرایان به ستیز برمی‌خیزند.

این مقاله با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، می‌کوشد پیامدها و آثار تربیتی اعتقاد به جنود الهی را از دیدگاه قرآن و حدیث، بررسی نماید و پس از آن، به بیان جهت‌گیری‌هایی بپردازد که انسان‌های معتقد به وجود لشکریان الهی از آن برخوردار هستند.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، روایات، جنود الهی، آثار تربیتی، ملائکه.

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات دانشگاه میبد / almirjalili@meybod.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری دانشکده اصول‌الدین تهران (نویسنده مسئول) / Mr.babaei@gmail.com

۱- مقدمه

از دیدگاه قرآن، تمامی موجودات جهان از آب و خاک و باد و آتش گرفته تا جمادات و نباتات و حیوانات و انسان‌ها با اذن الهی، هر جا لازم باشد در نقش جنود الهی ظاهر می‌گردند. بنابراین، جنود الهی در همه پهنای هستی حضور دارند.

با تکیه بر آیات و روایاتی که دال بر حضور جنود الهی در عالم هستی هستند- چه جنود آسمان‌ها که شامل ملائکه می‌باشند و چه جنود زمین که شامل جنود جاندار و بی‌جان می‌گردند- درمی‌یابیم که ارسال رسل و انزال کتب از سوی خداوند برای هدایت انسان‌ها به صراط مستقیم است. در این بین، طغیان انسان‌ها و مقابله آن‌ها با حق، باعث می‌شود جنود الهی به یاری پیروان حق برخیزند و معاندان و طاغیان را عذاب نمایند؛ زیرا طبق آیات قرآن از ویژگی‌های خداوند ﴿شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطُّوْلِ﴾ (غافر: ۴۰/۳) است.

هدف خداوند، رستگاری انسان‌ها و برنامه‌اش نصرت مؤمنان و عقوبت ظالمان و کافران است. برای تحقق این امر، خداوند سپاهیان نیرومندی در عالم هستی دارد که اوامرش را اطاعت می‌کنند. آن‌ها در جهت اجرایی نمودن وعده و وعیدهای خداوند گام برمی‌دارند و هیچ مانعی قادر به جلوگیری از عذاب آن‌ها نیست. خداوند در رابطه با نصرت حق‌مداران و تعذیب مجرمان و همچنین فائق آمدن جنود الهی بر همه نیروهای عالم و آثار تربیتی و عبرت‌آموز آن‌ها فرموده است: ﴿حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَنْ نَشَاءُ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ﴾ (یوسف: ۱۱۲/۱۱۰-۱۱۱).

با توجه به مطالب پیش‌گفته، سؤال اصلی این پژوهش آن است که اعتقاد به جنود الهی چه تأثیری بر انسان و تربیت او دارد؟ لازم به ذکر است هرچند تحقیقاتی پیرامون سنن الهی، سنت‌های اجتماعی و سنت‌های حاکم بر جوامع بشری، نقش ملائکه الهی به‌عنوان نیروهای تحت امر خداوند و اعتقاد به غیب و آثار آن صورت پذیرفته است، ولی در زمینه آثار تربیتی اعتقاد به جنود الهی، تاکنون پژوهشی سامان نیافته است. البته پیش از این پیرامون «جنود السماوات و الارض» مقاله‌ای به قلم یکی از نویسندگان این مقاله، به چاپ رسیده است (بابایی دره، ۱۳۹۲، ص ۱۶۲) که به توضیح مقصود از جنود الهی و اقسام آن‌ها می‌پردازد؛ ولی در مقاله حاضر، به جنبه‌های تربیتی اعتقاد به جنود الهی پرداخته شده است.

۲- مفهوم و معنای «جند»

۲-۱- «جند» در لغت

«جند»^۱ واژه‌ای معرب از ریشه گُند^۲ است. در منابع ریشه‌شناختی گند، به معنای سپاه و ارتش آمده است (جفری، ۱۳۷۴، ص ۲۳۷). این واژه در زمان ساسانیان کاربردی فراوان داشت و به واحدهای ارتش ساسانیان اطلاق می‌شد. برای مثال طبق گفته کریستین سن «واحدهای بزرگ سپاه را گند می‌گفتند و فرماندهی آنان با گند سالاران بود» (کریستین سن، ۱۳۸۵، ص ۲۳۷). بنابراین، به نظر می‌رسد نام «جندی‌شاپور» در اصل «گندی‌شاپور» به معنای پاسگاه ارتش بوده است. در عربی نیز بنا به گفته خلیل بن احمد فراهیدی معنای جند عبارت است از «کل صنف من الخلق یقال لهم: جند علی حدة» (فراهیدی، ۱۹۸۳، ج ۲، ص ۸۶). بر اساس این تعریف، واژه جند، مصداق بسیاری را شامل می‌شود.

در مجموع این واژه به معنای لشکر، سپاه و تجمعی است که آماده دفاع از شهر و یا مکانی مهم است. در قاموس ذیل واژه جند آمده: «الجُند بالضم العسکر و الاعوان». فیروزآبادی نیز «جنود» و «اجناد» را جمع «جند» دانسته است و بیان کرده که در قرآن از میان این دو جمع، تنها واژه «جنود» به کار رفته است (فیروزآبادی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۵۸؛ و نک: سوره‌های شعراء: ۲۶ / ۹۵؛ مدثر: ۷۴ / ۳۱؛ احزاب: ۳۳ / ۹).

راغب اصفهانی در ذیل ماده «ج ن د»، «جند» را به معنای زمین سخت سنگلاخ دانسته است. وی اطلاق معنای لشکر به «جند» را به اعتبار سرسختی و صلابت می‌داند و معتقد است که به همین خاطر به هر مجتمعی جند گفته می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۰۷).

۲-۲- «جند» در کاربردهای قرآنی و نگاه مفسران

واژه «جند»، ۲۹ بار در قرآن آمده است. در یک نگاه کلی، این واژه برای دودسته جنود حق گرا (بقره: ۲ / ۲۴۹؛ نمل: ۱۷ / ۲۷) و جنود باطل محور (شعراء: ۲۶ / ۹۵) استعمال گردیده است. مؤلف تفسیر المیزان، «جند» را به معنای جمع انبوهی از مردم دانسته است که غرضی واحد آنان را دورهم جمع کرده باشد. بر اساس همین معناست که اساساً به لشکری نیز که می‌خواهد یک مأموریت را انجام دهد جند می‌گویند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص ۲۶۲). ابن عاشور، «جند»

1. Jound

2. Gund

را اسم جمعی دانسته است که مفردی از لفظش وجود ندارد. از نظر وی «جند» به گروهی اطلاق می‌شود که آماده جنگ شده‌اند البته گاهی نیز همچون آیه شریفه ﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ﴾ (بروج: ۸۵/۱۷-۱۸) در معنای جامعه قدرتمند به کار رفته است (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۶۰).

مفسران در تفسیر آیه ﴿لِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ (فتح: ۴۸/۴ و ۷) بیان داشته‌اند که «جنود الله» معنی وسیعی دارد. به همین دلیل شامل فرشتگان الهی، جاندارانی چون حشرات، مارها و عقرب‌ها، امور بی‌جان نظیر صاعقه‌ها، زلزله‌ها، سیل‌ها و شکافته شدن زمین، خسوف ماه، امواج دریا و نیروهای نامرئی چون جن (صابونی، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۲۰۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۳۶)، گرما، سرما، باران، باد، ترس و تشنگی (حسینی شیرازی، ۱۴۲۴، ج ۵، ص ۱۷۸) می‌شود. همه بادهای و باران‌ها و مطلق آب‌ها مانند دریاها و مانند آن از موجودات ممکن لشکر و جنود الهی‌اند و در یک کلام، غیر از خداوند سبحان، همگی جنودی تحت امر اویند و مانند فرمان‌برداری ارتشیان از فرمانده از او فرمان می‌برند. حتی تمام اعضاء و جوارح درونی انسان نیز در شمار جنود الهی به حساب می‌آیند (نجفی سبزواری، ۱۴۰۶، ج ۶، ص ۴۷۹).

با توجه به مطالب فوق، روشن می‌گردد که «جنود» در کاربرد قرآنی جمع جند و به معنای لشکر، جمع انبوه مردم و جامعه قدرتمند است. مطابق با این تعریف «جنود الهی» دارای مصادیق متعدد و فراوانی است.

۲-۳- «جند» در روایات

«جند» و «جنود» در روایات و احادیث مأثور از معصومین (ع) به کرات آمده و در کنار کاربرد آن به معنای سپاه انسانی، بر سایر مخلوقات نیز اطلاق شده است. برای مثال پیامبر اکرم (ص) فرمودند «الزُّكَّامُ جُنْدٌ مِّنْ جُنُودِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَبِيعُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الدَّاءِ فَيُزِيلُهُ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۵، ص ۸۳۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۹، ص ۱۸۴).

در روایات اعضا و جوارح انسان نیز به عنوان جنود الهی یاد شده‌اند. برای نمونه امام صادق (ع) فرمودند: «جَوَارِحُ الْإِنْسَانِ وَ عُرُوقُهُ وَ أَعْضَاؤُهُ جُنُودٌ لِلَّهِ مُجَنَّدَةٌ عَلَيْهِ فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهِ سُقْمًا سَلَطَهَا عَلَيْهِ فَاسْقَمَهُ...» (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۰۹). در این بین حتی آب و باد نیز جنود الهی دانسته شده‌اند؛ چنانکه در روایتی از ابن عباس رسیده است که «الْمَاءُ وَ الرِّيحُ جُنْدَانِ مِنَ جُنُودِ اللَّهِ وَ الرِّيحُ جُنْدُ اللَّهِ الْأَعْظَمُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۷، ص ۱۸).

جند در روایات حتی دایره حیوانات را نیز در برمی گیرد. پیامبر (ص) در مورد غار ثور و تئیدن عنکبوت بر در آن - که موجب شد دشمن وارد غار نشود و آن حضرت نجات یابد - فرمود: «همانا عنکبوت، جندی از جنود خداوند است» (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۴۰).

۳- آثار تربیتی اعتقاد به جنود الهی

صرف اینکه انسان مسلمان باشد آثار تربیتی ایمان در وجود او متبلور نمی گردد چنانکه قرآن می فرماید: ﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ﴾ (حجرات: ۱۴/۴۹). حضرت علی (ع) در مورد ایمان واقعی فرموده اند: «الْإِيمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَ إِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ» (رضی، ۱۴۱۴، ص ۵۰۸). در این منظر ایمان، اعتقاد قلبی و اقرار به زبان و عمل با اعضاء و جوارح است. امام جعفر صادق (ع) نیز فرموده اند که «الْإِيمَانُ عَمَلٌ كُلُّهُ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۳، ص ۹۱) و این یعنی همه ایمان، عمل است.

با عمل به دستورات دین، ایمان آدمی افزایش می یابد و با ترک آن در ایمان سستی ایجاد می شود. چنانکه در آیه بالا مشاهده شد، هر مؤمنی مسلمان هست، ولی هر مسلمانی مؤمن نیست. وقتی یک انسان مسلمان را می توان مؤمن نامید که تربیت های دینی اثر لازم را بر روح و روان او بگذارد به طوری که هنگام یاد خدا دلش از عظمت او به هول و هراس بیافتد و هنگامی که آیات خداوند را بر وی بخوانند ایمان او افزایش یابد و فقط بر پروردگارش توکل کند ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ (انفال: ۲/۸). این هول و هراس از خداوند، اثر تربیتی ایمان بر وجود آدمی است و نتیجه آن توکل بر خداوند است.

در همین راستا، باور و اعتقاد به جنود الهی به عنوان نیروهای تحت امر خداوند، پیامدهای تربیتی خاصی دارد که این نوشتار در مقام بیان آن است. از دیدگاه قرآن و روایات، نیروهایی در عالم هستی نقش آفرینی می کنند که باور به آنها به عنوان یاری گران حق، به انسان مؤمن و معتقد، ثبات قدم و آرامش و اطمینان می بخشد و او را در طی مسیر حق یاری می نماید؛ تا جائیکه حاضر است همه زندگی خود را فدای صراط مستقیم الهی و راه حق نماید. او دریافته است همه هستی در حمایت و نصرت حق هستند و هرکس هم در این راه قدم بردارد، نصرت الهی یار و یاور او خواهد بود. یاری خداوند از بندگانش به مدد همین جنود الهی است که در اطراف و اکناف عالم پراکنده اند و بسته به اراده خداوند، آنان نقش خویش را ایفا می نمایند و هر جا باطلی قد برافرازد،

همین جنود مأموریت می‌یابند تا در مقابله با آن برخاسته، او را از پای درآورند. در ادامه، پاره‌ای از آثار تربیتی اعتقاد به جنود الهی که در آیات و روایات آمده مطرح می‌شود.

۳-۱- داشتن امید در زندگی در سایه باور به جنود خداوندی

باور به آیات آفاقی و انفسی، انسان را به درجه‌ای از معرفت می‌رساند که خالق هستی خویش را بشناسد. انسان وقتی خالق خویش را شناخت و این باور برایش حاصل شد که در نظام هستی، علاوه بر علت‌های معمولی، علت‌العللی نیز وجود دارد دیگر ناامیدی به خود راه نمی‌دهد و همواره در امورش به نتایج مطلوب خوش‌بین است؛ زیرا اگر کاری از دست اسباب متعارف برنیاید، قدرتی ورای همه قدرت‌ها وجود دارد که می‌تواند انسان را دستگیری نموده او را یاری رساند ﴿سُرِّيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْاَفَاقِ وَفِي اَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ اَنَّهُ الْحَقُّ اَوْلَمَ يَكْفُرْ بِرَبِّكَ اِنَّهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾ (فصلت: ۵۳/۴۱). در این آیه، مراد از آیات آفاقی کسوف، زلزله و آیاتی است که در آسمان‌ها عرضه می‌شود و منظور از آیات انفسی آن است که انسان گاهی، گرسنه و گاهی، تشنه و گاهی، سیر و سیراب می‌شود؛ یک‌بار مریض می‌شود و یک‌بار سالم می‌شود، یک‌بار متمول می‌شود و مرتبه‌ای فقیر می‌گردد، یک‌بار غضب می‌کند و یک‌بار می‌ترسد و یک‌بار در امن و امان قرار می‌گیرد و این‌ها نشانه‌هایی بزرگ بر توحید است (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۶۷).

استاد مطهری در این باره می‌فرماید: «از نظر جهان‌بینی مادی، عوامل مؤثر در اجل، روزی، سلامتی و سعادت و خوش‌بختی منحصرأ مادی است، ... اما از نظر جهان‌بینی الهی علل و عوامل معنوی نیز همدوش عوامل مادی در کار اجل، روزی و سلامت و سعادت و امثال این‌ها مؤثرند، ... جهان یک واحد زنده و باشعور است. اعمال و افعال بشر حساب و عکس‌العمل دارد. خوب و بد در مقیاس جهان بی‌تفاوت نیست. اعمال خوب یا بد انسان مواجه می‌شود با عکس‌العمل‌هایی از جهان که احياناً در دوره حیات خود فرد به او می‌رسد. یک نفر مادی هر اندازه به مسلک و آئین خود معتقد باشد و هر اندازه آرمانش مقدس و دور از خودخواهی باشد، بیش از این عقیده ندارد که هر اندازه سعی و کوشش در راه تحقق بخشیدن به آرمان خود داشته باشد، به همان میزان نتیجه می‌گیرد. اما یک نفر مسلمان مؤمن عقیده دارد جهان طوری ساخته شده که اگر او در راه حق و حقیقت فداکاری کند، دستگاه جهان به حمایت او برمی‌خیزد و او را پشتیبانی می‌کند. به همین سبب چنین فردی صدها هزار برابر نیرویی که در راه هدف مقدس خود مصرف می‌کند، پشتیبان‌هایی دارد که به او یاری می‌رسانند» (مطهری، ۱۳۷۵، ج ۳،

صص ۳۵۰-۳۵۱ با اندکی تصرف)؛ بنابراین، نوع امیدواری چنین انسانی به آینده را هرگز یک نفر مادی و منکر امداد غیبی الهی، نمی‌تواند داشته باشد.

خداوند در قرآن کریم به برخی از این نیروها و جنود الهی که در نقش آیات ظاهر می‌گردند اشاره نموده است. داستان رد شدن قوم بنی‌اسرائیل از دریا یکی از این نمونه‌هاست. در این داستان، آب دریا در نقش جند الهی ظاهر می‌شود. هنگامی که قوم بنی‌اسرائیل خود را در معرض حمله لشکر فرعون دیدند آب دریا از میان دو قسم شد و بدین روی بنی‌اسرائیل نجات یافتند؛ همه ی این اتفاقات درحالی واقع شد که کشتار آن‌ها به دست فرعونیان حتمی بود. در این داستان درست در جایی که تمام امیدها بر بنی‌اسرائیل بسته شده بود آب دریا به کمکشان آمد: ﴿فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ وَأَزَلَفْنَا لَهُمُ الْخَازِغِينَ وَآتَيْنَاهُمُ الْيَمَّ مَعَهُمْ أَجْمَعِينَ ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخِرِينَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (شعراء: ۲۶/۶۳-۶۷). داستان حضرت نوح نیز یکی دیگر از مثال‌های قابل توجه در این بخش است. قرآن در مورد حضرت نوح (ع) و کمک خداوند به او با طوفان و سیل می‌فرماید: ﴿فَأَنْجَيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِّ الْمَشْحُونِ ثُمَّ أَغْرَقْنَا بَعْدُ الْبَاقِينَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (شعراء: ۱۱۹-۱۲۱). در پایان داستان نوح (ع) و موسی (ع)، قرآن بیان می‌کند که غرق و نابودی مخالفان این دو پیامبر الهی، آیت و نشانه‌ای برای همگان است.

نمونه سوم مربوط به قضایای جنگ حنین است. در جریان جنگ حنین، مسلمانان در ابتدای درگیری بر اثر حمله شدید دشمن شکست خوردند. این امر باعث شد مسلمانان امید خود را از دست بدهند و به جز ده نفر، همگی از صحنه جنگ فرار کردند (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۳۴۲). خداوند با فرستادن ملائکه به‌عنوان جنودی که قابل رؤیت نبودند آرامش را به مسلمانان برگرداند و همین امر سبب شد تا مسلمانان بار دیگر دور پیامبر اکرم جمع گردند. همین امر موجب شد تا مسلمانان در حمله دوم بر دشمن پیروز شوند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَ يَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَ ضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَابَتْهُمُ الْمُدُورِينَ ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ ذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ﴾ (توبه: ۲۵-۲۶).

نصرت الهی در غزوات اسلامی ما را به این نکته رهنمون می‌سازند که نیروهای تحت امر خداوند نقشی اساسی در پیروزی داشته‌اند. باور به کمک این جنود الهی، امید به زندگی را در

هنگام یأس برای انسان مؤمن رقم می‌زند. بنا به گفته قرآن کریم، در جنگ بدر، ملائکه در هنگام ناامیدی و ضعف مسلمین به کمک آنان شتافتند: ﴿إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِأَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (انفال: ۸/ ۹-۱۰). فراتر از این یاری‌ها قرآن کریم در سوره فصلت یادآور شده است که ملائکه به‌عنوان جنود الهی، هرگونه خوف و حزن را از مؤمنانی که در مسیر حق استقامت بورزند، برطرف می‌سازند: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ﴾ (فصلت: ۴۱/ ۳۰).

با نگاهی دوباره به آیات بالا درمی‌یابیم که جنود الهی در دستیابی و شناخت انسان به خالق هستی و افزایش امید، نقش مؤثری دارند. هرچه کوشش انسان در این زمینه بیشتر گردد و در آیات آفاقی و انفسی تأمل بیشتری نماید، معرفتش به حق و خداوند و امیدش به الطاف لایزال او بیشتر می‌گردد و هرگز در طی مسیر حق ناامید نمی‌شود. همین امر سرّ حرکت مستمر انبیاء- با وجود بودن مخالفان فراوان برای ایشان- بوده است. انبیای الهی به محض احساس ناامیدی، با یاری جنود الهی مواجه می‌گشتند: ﴿حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّىَ مَنْ نَشَاءُ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ﴾ (یوسف: ۱۲/ ۱۱۰). پیامبران در راه دعوت به‌سوی دین حق، پافشاری داشتند و اقوام گمراه و سرکش به مخالفت خود ادامه می‌دادند تا آنجا که پیامبران از آن‌ها مأیوس شدند و گمان کردند که در مسیر دعوت خویش تنهای تنها هستند، در این هنگام، که امیدشان از همه‌جا بریده شد، نصرت و پیروزی از ناحیه خداوند فرارسید و هر کس را که شایسته یافت، نجات داد و عذاب و مجازات خداوند قوم گنه‌کار و مجرم را فراگرفت (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۹۸).

۳-۲- توکل به خدا

یکی دیگر از آثار تربیتی اعتقاد به جنود الهی، تقویت توکل آدمی بر خالق یکتاست. هر چه انسان به این اعتقاد و یقین نزدیک شود که همه عالم هستی تحت فرمان اویند، اتکای او نیز به خداوند بیشتر و بیشتر می‌گردد. بر اساس چنین اعتقادی نه‌تنها همه جنبنندگان در جهان، بلکه همه موجودات عالم با فرمان خداوند عمل می‌کنند و یا مانع اقدامی می‌گردند. چنین فردی می‌داند که خداوند علتی برتر از همه علت‌هاست و تدبیر همه امور به دست اوست. در نتیجه، این ایمان و شناخت او را وامی‌دارد که به خدا توکل نماید و امور خود را به او واگذار نماید.

قوم عاد در مقابل پیامبرشان سرکشی کردند و او را تکذیب نمودند. خداوند طوفانی سخت و کوبنده که جندی از جنود الهی است، به مدت هفت شب و هشت روز بر آن‌ها مسلط کرد. طوفان قصرهایشان را در هم کوبید و بدن‌هایشان را چون برگ‌های پائیزی با امواج باد به اطراف پراکنده ساخت تا بدین گونه سرنوشت این قوم را درس بزرگ عبرتی برای همه جباران تاریخ بگرداند: ﴿وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَتَمَایِةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُعْجَازٌ نَخْلٍ خَاوِيَةٌ﴾ (حاقة: ۶۹/۶-۷).

اما حضرت هود (ع) که به کمک جنود الهی نسبت به خود امیدوار بود، نه تنها در مقابل آنان دست از تبلیغ دین حق برنداشت بلکه در پاسخ به گستاخی‌های قوم سرکش خویش فرمود: ﴿فَكَيْدُونِي جَمِيعًا ثُمَّ لَا تُنظِرُونَ إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (هود: ۵۵-۵۶). حال که چنین است، همگی برای من نقشه بکشید؛ و مرا مهلت ندهید! (اما بدانید کاری از دست شما ساخته نیست!) من، بر «الله» که پروردگار من و شماست، توکل کرده‌ام! هیچ جنبنده‌ای نیست مگر اینکه او بر آن تسلط دارد؛ (اما سلطه‌ای با عدالت! چراکه) پروردگار من بر راه راست است!

اینکه حضرت هود (ع) فرمود ﴿مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا﴾ اشاره به آن دارد که تمام موجودات عالم، جندی از جنود الهی هستند زیرا هیچ جنبنده‌ای در جهان نیست مگر اینکه در قبضه قدرت و فرمان خدا است و تا او نخواهد کاری از آنان ساخته نیست. حضرت هود توجه به همین نکته را دلیل بر توکل خود اعلام کرد.

بنابراین، وقتی بنده مؤمن درک کند که تا اراده خدا نباشد هیچ موجودی حرکت نمی‌کند توکل و اتکایش به ذات لایزال الهی تقویت می‌گردد و در تلاطم روزگار با بحران‌هایی که گاهی در مسیر حیات بر سر راه او قرار می‌گیرند راحت‌تر و آسان‌تر کنار می‌آید و زندگی بر او تلخ نمی‌گردد؛ همان‌گونه که حضرت هود (ع) کار خود را به خداوند واگذار کرد و به اطاعت او تمسک جست و او را نافرمانی نکرد.

حقیقت معنای توکل به خدا، اطاعت انسان از فرامین خداوند و سرپیچی نکردن از دستورات اوست. هیچ جاننداری نیست که روی زمین حرکت و جنبش کند جز آنکه خدا سلطان و مالک اوست و آن را به هرگونه که بخواهد، بگرداند و مقهور سازد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۲۵۹). در جریان جنگ احد نیز خداوند مسلمانان را به یاد نصرت آنان به وسیله لشکر ارسالی ملائکه در جنگ بدر می‌اندازد. با این یادآورد از آنان می‌خواهد که از دشمن نترسند و بر خداوند توکل

نمایند. همچنین به آنان نوید می‌دهد که در صورت صبر در جنگ و داشتن روحیه تقوا، آنان را با لشکری عظیم از ملائکه کمک می‌رساند: ﴿...وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ وَ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِدُرِّ وَ أَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلاَفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ بَلَى إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا وَ يَأْتُوكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هَذَا يُمِدِّكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلاَفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ﴾ (آل عمران: ۱۲۲-۱۲۵). بنابراین، باور به جنود الهی باعث تقویت صفت توکل در آدمی می‌گردد.

۳-۳- تقویت ایمان

جنود الهی، خواه انسان باشند و خواه از ملائکه، وقتی رسالتی را از جانب خداوند عهده‌دار گردند به تمام و کمال اجرا می‌کنند. اثر تربیتی اعتقاد به چنین نیروهایی آن است که بر ایمان انسان مؤمن افزوده می‌گردد. با خدا بودن و داشتن ایمان به او به حدی برای مؤمن ثمربخش است که فضای پیرامونی او نیز تحت نظارت قرار می‌گیرد و آفات از سر راهش برداشته می‌شود. در داستان حضرت خضر (ع) و موسی (ع)، نوجوانی که قرار است به خاطر بی‌ایمانی خود، پدر و مادرش را به کفر و سرکشی بکشاند توسط خضر (ع) از سر راه برداشته می‌شود تا این موضوع را یادآور سازد که: ﴿نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ﴾ (فصلت: ۴۱ / ۳۱).

سپاهیان الهی در شرایط سخت و دشوار در خدمت مؤمنین درمی‌آیند. اگرچه اتفاقات ناخوشایندی هم ظاهراً برای انسان پدید آید، ولی به دلیل خیرخواهی خداوند نسبت به بنده‌اش، مصیبتی بزرگ‌تر را از سر مؤمن رفع می‌نماید. در داستان خضر (ع) و موسی (ع)، خضر نبی (ع) به‌عنوان یکی از جنود الهی، یک نوجوان را به قتل می‌رساند. این کار باعث می‌شود تا ابهامی بزرگ برای حضرت موسی (ع) ایجاد شود و از این رو علت قتل را از خضر (ع) جویا شود. حضرت خضر (ع) در پاسخ فرمود: پدر و مادر آن نوجوان باایمان بودند و خداوند نخواست که این نوجوان آنان را گمراه کند و به انحراف بکشاند، بلکه اراده کرد فرزندی پاک‌تر و بامحبت‌تر در عوض او به آنها عطا فرماید: ﴿وَ أَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنِينَ فَخَشِينَا أَنْ يُرْهَقَهُمَا طُغْيَانًا وَ كُفْرًا فَآرَدْنَا أَنْ نُبَدِّلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِنْهُ زَكَوَّةً وَ أَقْرَبَ رَحْمًا﴾ (کهف: ۸۰-۸۱). از معصوم (ع) روایت شده است که خداوند به جای آن پسر، دختری به این والدین داد که هفتاد پیامبر را به دنیا آورد؛ «أَبَدَلَهُمَا مَكَانَ الْبَيْنِ بِنْتًا فَوَلَدَتْ سَبْعِينَ نَبِيًّا» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۳۳۷/ حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۲۸۶).

آیه شریفه ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزِدُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ﴾ (فتح: ۴۸ / ۴). یادآور این نکته است که یاری جنود الهی (و از جمله، آرامش) نصیب و روزی افراد باایمان است؛ زیرا خداوند متعال اراده کرده است که ایمان این افراد زیاده گردد. از طرف دیگر دور بودن از دایره ایمان نیز آدمی را از امداد و عنایت این جند الهی محروم می‌گرداند.

تأمل و دقت در داستان‌های انبیاء و یادآوری خاطره‌ها و ماجراهای آنان و جنودی که هرکدام در اوج بحران‌ها به کمکشان آمده‌اند، از مهم‌ترین عوامل تقویت ایمان است. قرآن برای تقویت ایمان مؤمنان، به ذکر احوال انبیاء الهی و رهایی یافتن آنان از بحران‌های سخت به کمک این جنود، اشارات فراوانی دارد (برای نمونه نک: یاری حضرت نوح با طوفان (اعراف: ۷ / ۶۴) و یاری حضرت صالح با فرود زلزله بر مخالفانش (همان / ۶۴) و یاری حضرت لوط با بارش باران سنگ بر مخالفانش (همان / ۸۴) و یاری حضرت شعیب با آمدن زلزله بر کافران (همان / ۹۱).

۳-۴- تشویق به صلاح و درستکاری

درست‌کاری از توصیه‌های مؤکد قرآن است. عمل به این فرمان باعث می‌شود حتی در صورت هجرت انسان از سرای فانی به دیار باقی، خداوند جنود و امدادش را در جهت خدمت به اعقاب او بکار گیرد. چنانکه در داستان حضرت خضر (ع) آمده است که آن حضرت به موسی (ع) فرمود: ﴿وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا﴾ (کهف: ۱۸ / ۸۲). این آیه دلالت دارد بر اینکه صالح بودن انسان گاهی در وارث انسان، اثر نیک می‌گذارد و سعادت و خیر را در ایشان سبب می‌گردد. همانطور که در آیه می‌توان مشاهده کرد، گاه رحمت خدای تعالی سبب اراده او می‌گردد. در این آیه دسترسی یتیمان به گنج منوط به اقامه دیوار روی آن بود. خضر (ع) - به‌عنوان یکی از جنود الهی - دیوار را مرمت کرد تا نشان دهد اثر اعمال صالحی که پدر این دو یتیم در زندگی خود انجام داده بود حتی پس از وفات وی نیز ماندگار است. در این داستان اعمال صالح پدر یتیمان موجب برانگیخته شدن رحمت الهی گشت و به‌موجب آن، مالی که به سبب خرابی دیوار ظاهراً قرار نبود به فرزندان وی برسد به‌وسیله یکی از جنود الهی اسباب به فرزندانش می‌رسد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۳، صص ۳۴۸-۳۴۹). از امام جعفر صادق (ع) نقل است که ذیل این آیه فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ لِيَحْفَظُ وَوَلَدَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى أَلْفِ سَنَةٍ وَإِنَّ الْغُلَامَيْنِ كَانَا بَيْنَهُمَا وَبَيْنَ أَبِيهِمَا سَبْعُ مِائَةِ سَنَةٍ» (مجلسی، ۱۴۰۳،

ج ۱۳، ص ۳۱۰): همانا خداوند فرزند مؤمن را تا هزار سال حفظ و مراقبت می‌کند و همانا بین این دو نوجوان و پدر و مادرشان، هفتصد سال فاصله بود.

نتیجه اینکه اعتقاد و باور به این نقش از جنود الهی، انسان را ترغیب و تشویق می‌نماید که صالح و درست‌کار باشد تا ثمرات صلاحش را هم خود و هم اعقابش ببینند. نکته برجسته‌ای که در آیه بدان اشاره شده، این فراز از سخن حضرت خضر (ع) است که می‌فرماید: ﴿وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي﴾ (کهف: ۸۲/۱۸). در این فراز، حضرت خود را به‌عنوان یکی از جنود الهی معرفی می‌نماید که انجام تمامی کارهایش به امر خداوند متعال بوده است.

۳-۴-۱- توجه به سنت الهی در هلاکت و نصرت اقوام عامل تربیت افراد

نقش‌هایی که جنود الهی بر عهده‌دارند در زمره سنت‌های الهی است. سنت‌های الهی شیوه‌هایی هستند که خداوند متعال امور عالم را بر اساس آن‌ها اداره می‌نماید. این روش‌ها تغییرناپذیرند و از ابتدای عالم تا قیامت ادامه‌دارند ﴿سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾ (فتح: ۲۳/۴۸).

نگاهی اجمالی به آیات نورانی قرآن، ما را به این موضوع رهنمون می‌سازد که همواره مردمانی مورد غضب خداوند قرار گرفته و با ارسال جنود الهی هلاک گردیده‌اند. از سوی دیگر، افراد و گروه‌هایی مورد عنایت خداوند قرار گرفته و با جنود خداوندی یاری گردیده‌اند. خداوند کمک یا غضب خود را به‌وسیله اسبابی انجام می‌دهد که از آن‌ها به‌عنوان «جنود الهی» یاد می‌شود. خداوند امداد و کمک ویژه الهی به مؤمنین را حقی بر عهده خود معرفی کرده است ﴿وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (روم: ۴۷/۳۰)؛ و وعده کمک به انبیاء و مؤمنان داده است ﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا...﴾ (غافر: ۵۱/۴۰) و به مؤمنان وعده داده که اگر دین خدا را یاری کنند خدا هم آن‌ها را یاری می‌کند و گام‌هایشان را استوار می‌سازد ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ (محمد: ۷/۴۷).

در آیه اخیر نصرت خداوند مشروط به نصرت مؤمنان گردیده است. دلیل و علتی که خداوند برای یاری مؤمنان آورده این است که آنان نیز باید یاری‌گر دین خدا باشند. ولی امداد الهی شامل چه کسانی و یا چه گروه‌هایی می‌گردد؟ یا چه شرایطی باید ایجاد شود تا جنود الهی دست‌به‌کار شوند و به امداد انسان برخیزند؟ قرآن بیان می‌کند که خداوند از کسانی دفاع می‌کند که ایمان

آورده‌اند ﴿إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا﴾ (حج: ۲۲ / ۳۸). پس یکی از شروط امداد الهی به واسطه جنود، مؤمن بودن انسان است.

قرآن کریم در کنار ایمان، صبر و تقوی الهی را عامل نجات و رفع و دفع مکر دشمنان یاد می‌کند ﴿وَإِنْ تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا لَأَيُّضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا﴾ (آل عمران: ۳ / ۱۲۰) و می‌فرماید اگر باتقوا باشید خداوند برای شما راه خروج از سختی‌ها و نجات قرار می‌دهد ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا﴾ (الطلاق / ۴)، ﴿وَنَجِّنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ﴾ (فصلت: ۴۱ / ۱۸). بنابراین، عامل نجات ایمان و تقوی است.

برای قرار گرفتن در ذیل عنایات الهی و یاری شدن به واسطه نیروهای مرئی و نامرئی او، ثبات در ایمان لازم است. در شرح آیه ۳۰ از سوره فصلت بیان گردیده است که ملائکه به عنوان جنود الهی، هرگونه خوف و حزن را از مؤمنانی که در مسیر حق استقامت بورزند، برطرف می‌سازند.

امداد و یاری انبیاء و مؤمنین از جمله سنت‌های الهی است. این امداد که به واسطه جنود الهی محقق می‌گردد، در وقت مناسب به یاری انبیاء و مؤمنین می‌آید و آن‌ها را از گرفتاری‌ها نجات می‌دهد. نمونه این نوع از یاری‌ها، در بخش پیشین توضیح داده شد. البته امداد به واسطه جنود الهی اختصاص به پیامبران ندارد؛ با توجه به آیات قرآن، نیروهای غیبی و جنود الهی حتی به کمک کسانی که ایمان به خدا، پیامبران و عالم غیب داشته باشند و در این مسیر استقامت بورزند نیز می‌آید.

همانطور که سنت خدا در مورد انسان‌های صالح دائمی است؛ این سنت‌ها در مورد ظالمین و کافرین نیز الی‌الابد جاری است. قرآن کریم در مورد هلاکت برخی از اقوام کافر و مستکبر به وسیله جنودی الهی همچون طوفان سنگ، دریا و غیره می‌فرماید ﴿وَقَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَى بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنبِهِ فَمِنْهُمْ مَنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَنْ أَغْرَقْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ (عنکبوت: ۲۹ / ۳۹-۴۰). افراد و اقوامی که در این آیه ذکر شده‌اند کسانی هستند که خداوند، ایشان را مورد لطف و عنایت مادی خود قرار داده بود، ولی آنان راه ناسپاسی را در پیش گرفتند. آن‌ها نه تنها یاریگر دین خدا نگردیدند، بلکه در تقابل با آن برآمدند. همین امر نیز زمینه‌ساز هلاکت آن‌ها گردید.

بنابراین، اعمال نیک انسان‌ها زمینه‌ساز عنایت خداوند با جنود الهی و اعمال و رفتار بد انسان‌ها، زمینه‌ساز انحرافات بیشتر و عقوبت الهی با ارسال جنود می‌گردد. در هر دو مورد مسبب اصلی، خود آدمی است. کافر شدن به آیات الهی باعث نزول عذاب می‌گردد: ﴿كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ﴾ (انفال: ۵۲ / ۸)، چنانکه ظلم و ستم باعث عذاب الهی می‌گردد. از این رو، در سوره هود پس از بیان مجازات مخالفان نوح، قوم عاد، ثمود، لوط و شعیب با جنود الهی، بیان می‌کند: ﴿وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ﴾ (هود: ۱۱ / ۱۰۲). سنت خداوند اقتضا دارد که برای هر عملی پاسخی مناسب بدهد و این پاسخ - چنانکه در شرح آیات سوره عنکبوت گذشت - به واسطه جنود الهی عملی می‌شود. مواردی که در بالا آمد نمونه‌هایی از سنت الهی در نصرت مؤمنان و تعذیب منکران است. شناخت سنت‌های الهی خود تأثیر بسزایی در تربیت انسان‌ها و هدایت آنان به سوی انجام اعمال صالح و پرهیز از اعمال خلاف دارد. از این رو، قرآن کریم پس از بیان کمک جنود الهی به انبیا (نک: هود / ۲۵-۱۱۰)، به مسلمانان دستور می‌دهد تا از هرگونه سرکشی و طغیان پرهیز کنند ﴿...وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (هود: ۱۱ / ۱۱۲) زیرا خدایی که مخالفان انبیاء را با جنود خود نابود کرد، مؤمنان را نیز در صورت طغیان و تجاوز با جنود خود مجازات خواهد کرد.

۳-۵- دستیابی به ثبات قدم

یکی از امور بسیار ارزشمند در طی مسیر حق، داشتن استقامت و پایداری است. چه بسیارند انسان‌هایی که ایمانشان به خدا تنها تا زمان تأمین منافعشان هست و آنگاه که احساس کنند رعایت لوازم ایمان با منافع مادی آنان سازگار نیست، دست از حق برمی‌دارند. چنین انسان‌هایی گاه در برابر خدا می‌ایستند و گاهی هنگام مواجهه با باطل گروان در ادامه دادن به مسیر حق، دچار شک و تردید می‌گردند. اعتقاد به جنود الهی سبب می‌شود که انسان همواره در راه حق ثابت‌قدم بماند و هرگز از مسیر حق خارج نگردد.

سپاهیان طالوت که در راه حق با جالوتیان کافر می‌جنگیدند از خدا تقاضا کردند تا گام‌هایشان را استوار بدارد؛ خداوند نیز به آنان ثبات قدم داد. در این میان، یکی از جنود الهی به نام حضرت داود (ع) به کمک مؤمنان آمد و رئیس کفار را که جالوت نام داشت، کشت و همین امر سبب فرار و شکست لشکر جالوت گردید ﴿... قَالُوا رَبَّنَا أفرغ علينا صبراً وَ ثَبَّتْ أقدامنا وَ انصُرنا على القوم الكافرين فَهَزَمُوهم بِإذنِ الله وَ قتلَ داودَ جالوت...﴾ (بقره: ۲۵۰-۲۵۱).

خداوند در هنگام بیان کردن سرگذشت انبیاء پیشین چون حضرت نوح، هود، صالح، ابراهیم، لوط، شعیب موسی (ع) و نصرت آنان به کمک جنود الهی (نک: هود: ۱۱/۲۵-۱۱۰)، خطاب به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: تعریف این وقایع و حمایت‌ها و نصرت ما از انبیاء و پیروانشان، در عین آنکه پند و تذکری برای مؤمنان هست، باعث قوت قلب و ثبات قدم تو و مؤمنان است؛ تا در همه احوال، به نصرت خداوند امیدوار باشند و در مقابل همه سختی‌هایی که بر سر راه پیامبر و افراد باایمان قرار می‌گیرد ترسی به خود راه ندهند ﴿وَكَلَّا نَقْصُ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ (هود: ۱۱/۱۲۰).

آیه‌ای که ذکر شد در خطابی به پیامبر بیان می‌دارد که نقل داستان پیامبران - اعم از سختی‌ها و حمایت‌های خداوند از آنان در مقابل کارشکنی‌ها و مخالفت‌های دشمنان - بدان هدف است که هم تو (ای پیامبر) و هم مؤمنین را قوت دل ببخشیم تا در جهت اجرای مأموریت خویش کوتاه نیایید. به همین جهت، پس از بیان اینکه بسیاری از انبیاء با کمک جنود الهی بر دشمنانشان پیروز گشتند (هود: ۱۱/۲۵-۱۱۰)، به پیامبر اکرم و مؤمنان دستور استقامت در راه حق می‌دهد ﴿فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ...﴾ (هود: ۱۱/۱۱۲).

بیان سرگذشت انبیای الهی در قرآن، مملو از نکات پندآموز است. ایشان در حین انجام رسالت خویش با پستی و بلندی‌های فراوانی مواجه بودند. مخالفانشان تا سرحد قتل آنان پیش می‌رفتند، اما جنود الهی و حمایت نیروهای غیبی به آنان ثبات قدم می‌بخشید تا هدف رسالت آنان محقق گردد.

خداوند وعده داده است که یاری‌گران دینش را یاری نماید و به آنان ثبات قدم بخشد ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ (محمد: ۴۷/۷). خداوند در موارد فراوانی و از جمله، در جنگ بدر به این وعده عمل کرد و چنانکه در سابق نیز بیان کردیم، با جنود خود (ملائکه) پیامبر اسلام و مؤمنان را یاری نمود ﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِدُرُوتِكُمْ أذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ إِذْ يَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ الْإِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ﴾ (آل عمران: ۳/۱۲۳-۱۲۴). چنانکه در آیه هفت سوره مبارکه محمد می‌توان مشاهده کرد خداوند متعال به‌طور مستقیم به نقش جنود الهی - اعم از ملائکه و یا عوامل طبیعی - به‌عنوان نیروهای یاری‌گر اشاره نموده است. مخصوصاً در فرازی که می‌فرماید ﴿يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ این نکته را به‌خوبی می‌توان دید. مفاد آیه مذکور طبق بیان تفاسیر آن است که «إِنْ تَنْصُرُوا دِينَهُ وَرَسُولَهُ يَنْصُرْكُمْ عَلَى عَدُوِّهِ»

وَيُثَبِّتُ أَقْدَامَكُمْ فِي الْقِيَامِ بِحُقُوقِ الْإِسْلَامِ وَالْمُجَاهَدَةِ مَعَ الْكُفَّارِ» (قمی مشهدی، ۱۳۸۸، ج ۱۲، ص ۲۲۰) و این یعنی اگر دین و پیامبر خدا را یاری کنید، او هم شما را علیه دشمنان یاری می‌کند و هم شما را در قیام به پیاده‌سازی حقوق اسلام و جهاد با کفار ثابت قدم می‌دارد. بنا به گفته قرآن کریم، حتی نزول جبرئیل - به‌عنوان پیک وحی و یکی از جنود الهی - و نزول قرآن به‌وسیله وی، در راستای ثابت‌قدم گرداندن مؤمنان است ﴿نَزَلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا﴾ (نحل: ۱۰۲/۱۶).

۳-۶- پرهیز از ظلم، سرکشی و خلاف

یکی از مواردی که جنود الهی همواره به مقابله با آن می‌پردازند ظلم ظالمان و ستم ستمگران است. خداوند بر اساس آیه ﴿وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ﴾ نیروهای آسمانی و زمینی‌اش را در مقابل ظالمان بسیج نموده است (انبیاء: ۲۱/۱۱). در تفسیر این آیه، برخی از مفسران آورده‌اند که خداوند متعال پیامبری را برای مردم فرستاد، او را کشتند. خداوند بخت‌النصر را بر آنان مسلط گردانید (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۹، ص ۱۶) و او به‌صورت یکی از جنود الهی مأمور انتقام الهی از آن مردم گردید.

قوم صالح (ع) دعوت وی را نپذیرفتند، خداوند به‌وسیله «ناقه» او را تأیید کرد، ولی آنان معجزه وی را نیز پی کردند (اعراف: ۷/۷۳-۷۷) و حتی نقشه قتل وی را کشیدند (نمل: ۲۷/۴۹)؛ از این رو، خداوند زلزله را به‌عنوان جنود خود به یاری صالح فرستاد (اعراف: ۷/۷۸) و مخالفانش را نابود کرد. قوم صالح که درصدد قتل پیامبر خویش برآمدند قبل از آنکه موفق به اجرای نقشه شوم خودگردند از پای درآمدند ﴿فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مُكْرِهِمْ أَنَا دَمَرْنَاهُمْ وَ قَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ فَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾ (نمل: ۲۷/۵۱-۵۲). این آیه دلالت دارد بر اینکه خرابی خانه‌ها نتیجه ظلم صاحبان آن‌هاست. از این رو، ابن عباس با خواندن این آیه بیان می‌کرد که خانه‌ها را ظلم خراب می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۳۵۵).

فرعونیان نیز حضرت موسی (ع) را تکذیب کردند و بدین‌وسیله در حق وی ظلم کردند. خداوند در آغاز، آنان را به خشک‌سالی و کمبود میوه‌ها گرفتار کرد، شاید که متوجه شوند و از مسیر اشتباه خود برگردند ﴿وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَ نَقَصْنَا مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ﴾ (اعراف: ۷/۱۳۰)، ولی نه تنها توبه نکردند بلکه موسی را ساحر خواندند و وی و مؤمنان را به فال بد گرفتند (همان/ ۱۳۱-۱۳۲). خداوند نیز جنود خود را به‌صورت طوفان، ملخ، آفت گیاهی،

قورباغه‌ها و خون بر آن‌ها فرستاد؛ ولی باز بیدار نشدند و تکبر ورزیدند و به گنه‌کاری خود ادامه دادند ﴿فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالدَّمَ آيَاتٍ مُفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ﴾ (اعراف: ۱۳۳/۷). فرعونیان هنگامی که به این بلاها مبتلا شدند مانند همه تبهکاران در هنگام دستگیر شدن، به دست‌وپا افتادند و از موسی (ع) خواستند که نجات آن‌ها را از خدا بخواهد، اما همین که طوفان بلا و امواج حوادث فرومی‌نشست، همه چیز را فراموش می‌کردند و به حال اول بازمی‌گشتند (همان/ ۱۳۴-۱۳۵). در این هنگام خداوند از آن‌ها انتقام گرفت و دریا به‌عنوان یکی از جنود الهی، عامل غرق فرعونیان کرد ﴿فَانتَقَمْنَا مِنْهُمُ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ...﴾ (اعراف: ۱۳۶/۷).

در سوره توبه، هنگامی که از مجازات قوم نوح، عاد، ثمود و همچنین قوم ابراهیم، شعیب و لوط یاد می‌شود، خداوند اظهار می‌دارد این مجازات - که با جنودی چون طوفان، زلزله، بارش باران سنگ و غیره انجام پذیرفته است (نک: هود: ۱۱/۲۵-۱۱۰) - از ظلم آنان ناشی شده است ﴿أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَقَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمُ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ (توبه: ۷۰/۹).

این دست آیات یادآور این فراز قرآن کریم است که ﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ﴾ (فجر: ۱۴/۸۹). البته، خداوند هیچ ستمی در حق بندگان خویش روا نمی‌دارد. این بندگان خدا هستند که با اعمال خلاف، زمینه‌ساز عقوبت خویش به دست جنود الهی می‌گردند. چنانکه قرآن کریم در سوره روم، از ملت‌های پیشین یاد می‌کند که پیامبران آن‌ها با دلایل آشکار به‌سوی آن‌ها آمدند، اما آن‌ها با خیره‌سری در برابر حق، تسلیم نشده و لذا به‌وسیله جنود الهی به مجازات دردناک مبتلا گشتند ﴿...جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ (روم: ۳۰/۹).

کفران نعمت‌های الهی یکی از دلایل ارسال جنود الهی برای انتقام‌گیری است. خداوند در آیه ﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾ (نحل: ۱۶/۱۱۲) به قومی اشاره می‌کند که کفران نعمت‌های الهی را کردند. حضرت حق برای پاسخ به این گستاخی، جنود خود چون ترس، گرسنگی و ناامنی را بر مردمانشان مستولی گرداند. این آیه به‌خوبی نشان می‌دهد در صورت ناسپاسی و کفران نعمت، جنود الهی مأموریت می‌یابند تا پاسخ کفران فرد گناهکار را بدهند.

اگر بنده مؤمن دریابد که اعمالش می‌تواند او را از نعمت سیری به گرسنگی، از نعمت امنیت به ناامنی و از نعمت رفاه به تنگی معیشت برساند مراقبت بیشتری بر رفتارهای خویش می‌نماید؛ زیرا نیروهای الهی هر لحظه آماده‌اند تا متناسب با رفتار فرد و اجتماع عکس‌العمل لازم را از خود بروز دهند. هر چند سنت الهی مبتنی بر امهال و استمهال است (آل عمران: ۳/ ۱۷۸؛ اعراف: ۷/ ۱۸۳)، ولی با پایان یافتن مهلت، دیگر شرایط مناسب قبلی وجود نخواهد داشت.

عملکرد جنود الهی هشداری برای انسان‌های صاحب شعور است؛ زیرا این نیروها فراوان و گسترده‌اند و با اراده الهی نقشی را که مأموریت می‌یابند عملی می‌نمایند. قابل ذکر است که آوردن تعبیر ﴿ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا﴾ در صدر آیه بالا، برای هشدار و تربیت همه انسان‌هایی است که خداوند به آن‌ها نعمت داده است. این عبارات گوشزد می‌نماید، اگر انسان‌ها قدر این نعمت را ندانند و شکر عملی بجای نیاورند سرنوشتی بهتر از اهالی آبادی مذکور نخواهند داشت.

یکی از ویژگی‌های آدمی آن است که به هنگام برخورداری از مال، مقام و مکتب، چنانچه روحیه ایمان و تقوی نداشته باشد به سمت طغیانگری و سرکشی پیش می‌رود: ﴿... إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَ كَفْرًا﴾ (علق: ۶-۷). نمونه این طغیانگری را در داستان جوانان صاحب باغ در سوره قلم مشاهده می‌کنیم. مال فراوان، آنان را به طغیانگری کشاند و پس از مواجهه با مجازات سوزانده شدن باغشان به ظلم، طغیان و سرکشی خود اعتراف کردند ﴿قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ... يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ﴾ (قلم: ۶۸-۲۹-۳۱). پدر این جوانان در زمان حیات خود از مال و درآمد باغش بذل و بخشش می‌کرد و به فقرا می‌رسید «ولی چون او از دنیا رفت، فرزندان او گفتند: ما به تمام میوه‌جات باغمان شایسته‌تریم... پس تصمیم بر محروم کردن مستمندان گرفتند» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۵۰۵)؛ از این رو، خداوند با جنود خود آنان را مجازات کرد ﴿فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ﴾ (همان / ۱۹-۲۰). فرشته‌ای به امر خدا آن باغ را از آتش زد، آتش آن باغ را احاطه نمود و همه را سوزانید (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۵۰۵). تدبّر در این داستان و باور به نیروها و جنود همیشه مهیای الهی به مؤمن می‌آموزد که هیچ‌گاه در مسیر طغیان و ظلم و خلاف قدم نگذارد؛ زیرا قدم نهادن در این مسیر، سرانجامی جز پشیمانی ندارد.

نتیجه گیری

از پژوهش حاضر نتایج ذیل به دست آمد:

۱. با حق بودن و نصرت حق نمودن، متقابلاً نصرت الهی و حمایت جنود او را به دنبال دارد.
۲. اعراض از حق و سرپیچی از فرمان الهی نیز عقوبت را توسط جنود الهی به دنبال دارد.
۳. جنود الهی، مطیع فرمان خداوند هستند و نقش لازم را در تائید یا مجازات افراد ایفا می نمایند.
۴. جنود خداوندی بی شمارند و بدون محدودیت مکانی و زمانی در همه جای هستی حضور دارند. آنها منتظر دریافت اوامر الهی برای انجام وظیفه اند.
۵. اعتقاد و ایمان به جنود الهی در عالم هستی، نقش بسزایی در تربیت و هدایت انسانها به صراط مستقیم ایفاء می نماید. چنین اعتقادی انسان را در مسیر سعادت ثابت قدم می دارد؛ به او روحیه استقامت می بخشد، باعث تقویت ایمان، امید در زندگی، پیدایش روحیه نیکوکاری و صالح شدن، تقویت روحیه توکل بر خداوند می شود.
۶. یادآوری نقش سپاهیان الهی و اعتقاد به وجود و فراوانی آنها سبب می شود تا انسانها، قدم در مسیر صحیح و صراط مستقیم نهند و از معصیت و نافرمانی خداوند و همچنین ظلم و سرکشی دست بردارند.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم؛ ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، ج ۲، قم: دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۳ ش.
۱. آلوسی، سید محمود؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق.
 ۲. ابن بابویه، محمد بن علی؛ علل الشرایع؛ قم: کتاب فروشی داودی، ۱۳۸۵ ش.
 ۳. ابن عاشور، محمد بن طاهر؛ التحریر و التنویر؛ بیروت: موسسة التاریخ، ۱۴۲۰ ق.
 ۴. جفری، آرتور؛ واژه‌های دخیل در قرآن مجید؛ ترجمه بدره‌ای، فریدون، تهران: انتشارات توس، ۱۳۷۴ ش.
 ۵. حسینی شیرازی، سید محمد؛ تقریب القرآن الی الاذهان؛ بیروت: دارالعلوم، ۱۴۲۴ ق.
 ۶. حویزی، عبد علی بن جمعه؛ تفسیر نور الثقلین؛ به کوشش: سیدهاشم رسولی محلاتی، ج ۴، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
 ۷. دهقان منگابادی، بمانعلی، بابایی دره، محمدرضا؛ «جنود السماوات و الارض از منظر آیات و روایات»؛ دو فصلنامه کتاب قیم، شماره ۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۲.
 ۸. راغب اصفهانی، حسین بن احمد؛ المفردات فی غریب القرآن؛ دمشق و بیروت: دارالعلم و الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.
 ۹. رضی؛ نهج البلاغه؛ به کوشش: صبحی صالح، قم: نشر هجرت، ۱۴۱۴ ق.
 ۱۰. سیوطی، جلال‌الدین؛ الدر المنثور؛ قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
 ۱۱. صابونی، محمدعلی؛ صفوة التفاسیر؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۱ ق.
 ۱۲. طباطبایی، محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ش.
 ۱۳. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان؛ تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
 ۱۴. عیاشی، محمد بن مسعود؛ تفسیر العیاشی؛ تهران: المطبعة العلمیة، ۱۳۸۰ ش.
 ۱۵. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب؛ القاموس المحیط؛ بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۳ ق.
 ۱۶. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ العین؛ بیروت: دارالمکتب، ۱۹۸۳ م.
 ۱۷. قمی، علی بن ابراهیم؛ تفسیر القمی؛ ج ۳، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۳ ش.
 ۱۸. قمی مشهدی، محمد؛ تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۸ ش.
 ۱۹. کریستین سن، آرتور؛ ایران در زمان ساسانیان؛ ترجمه رشید یاسمی، تهران: چاپخانه مهارت، ۱۳۸۵ ش.
 ۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب؛ کافی؛ قم: دارالحديث، ۱۴۲۹ ق.
 ۲۱. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار؛ بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
 ۲۲. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار استاد شهید مطهری؛ ج ۵، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۵ ش.
 ۲۳. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۴ ش.
 ۲۴. نجفی سبزواری، محمد بن حبیب؛ المجدید فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ ق.